

سکوت در حاشیه امن رمان ...

شادی غفوریان



پس به سراغ حاشیه امن رمان رفتیم؛ جایی که سعید تشکری، به دور از هیاهوی صحنه، قلم زدن در تنهایی و سکوت را برگزیده است. تشکری در طی پنج سالی که رمان نویسی را دنبال می‌کند، سه جایزه کتاب سال در حوزه ادبیات داستانی را به کارنامه خود افزوده است.

رمان‌های «پاریس پاریس»، «ولادت»، «مفتون و فیروزه»، «بار باران»، «رژيستور»، «گوش بزرگ، چشم بزرگ»، «غریب قریب»، «هرایی»، «آنکه گفت نه یا عزیزم چرا نه نمیگی» از جمله کارهای چاپ شده یا در دست چاپ اوست.

تشکری بعد از هشت ماه بیماری عدم تکلم، برای نخستین بار در یک گفتگوی تخصصی با آستان هنر در حوزه ادبیات داستانی شرکت کرده است. گفتگوی حاضر پیرامون ادبیات دینی، آسیب‌ها و فرصت‌های پیش روی آن شکل گرفته است. در این مجال به تفاوت میان ادبیات دینی ایران و جهان نیز پرداخته می‌شود.

ای کاش، در روزهای آخر اسفند،
در نیم‌روز روشن،
بنفشه‌ها را از سایه‌های سرد،
در روشنای باران و در آفتاب پاک،
جای دهند.

سعید تشکری، فارغ‌التحصیل ادبیات نمایشی، عضو کانون ملی منتقدان تئاتر، عضو کانون جهانی تئاتر ITCA و فیلمنامه‌نویس آثاری همچون سریال تلویزیونی «زمانه» است. تشکری نویسنده‌ای است که به گفته خود سه بار متولد شده؛ یک بار در سال ۱۳۴۲ در قوچان، یک بار در سال ۱۳۴۸ که پا به جهان تئاتر گذاشت و بار دیگر در سال ۱۳۷۰ در مسجد گوهرشاد حرم امام رضا (علیه‌السلام) که تمام آرزویش این شد که روزی او را به این نام بخوانند: «خادمی که کارش کتابت این بارگاه قدسی بود». تشکری نامش با نمایش‌نامه‌نویسی و تئاتر پیوند خورده است؛ «وقت آمین»، «رستگاری»، «شهادت‌خوانی»، «وقتی به ماه رسیدی»، «باران را هیچ‌کس ندید»، «روشنان»، «به خورشید بگو»، «آواز پر جبرئیل»، «سمن بویان»، «حال شهاب»، «بشارت»، «آبی‌های زمین»، «هفت دریا شبنمی»، «قاف»، «یوسف می‌آید»، «وقت آفتاب» و ...

اما این روزها گویی از این پیوند که به بلندای یک عمر است، دلخسته شده. دلیل هرچه باشد، نویسنده‌ای که سال‌ها، در صحنه نمایش نفس کشیده، در روزهای آخر اسفند، «دلزده» از کم‌فروغی چراغ صحنه و زبانه‌کشی حواشی تئاتر، به وادی بی‌حاشیه‌تری پناه آورده است: رمان!
ما نیز برآن شدیم تا در روزهای آخر اسفند ۱۳۹۲ با او گفتگو کنیم، اما پیش شرط این گفتگو، سخن نگفتن از تئاتر بود!